



دلیل عزم الامور بودن صبر/ بهره مندی صابران از صلوات مستمر الهی

آیت الله جوادی آملی با اشاره به بهره مندی صابران از صلوات مستمر الهی، تأکید می کند: صلوات از ناحیه خدای سبحان کرامت است...

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: آیت الله جوادی آملی با اشاره به بهره مندی صابران از صلوات مستمر الهی، تأکید می کند: صلوات از ناحیه خدای سبحان کرامت است؛ همین که انسان در دل خودش یک صفایی احساس می کند که نسبت به اطاعت و امتثال فرمان خدا علاقه دارد، نسبت به گناه انزجار دارد، از جهنم می ترسد، به بهشت دل می بندد، به سخنان اهل بیت دل می بندد، وقتی سخنان اهل بیت را می شنود قلبش باز می شود، اینها را به عنوان موالیان الهی در جان خود جا داده است، این نورانیت است. آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 155 تا 157 سوره بقره و لنبلونکم بشئ من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين* الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله و انا الیه راجعون* اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئک هم المهددون که به ویژگی های صابران در برابر حوادث اشاره دارد، پرداخته و می گوید: ...انسانها دو قسمند: یک عده در برابر این حوادث می دانند همه امتحان الهی است لذا در هنگام رویدادهای ملایم شاکرند و در هنگام حوادث ناگوار صابرند؛ عده ای که موخه نیستند در هنگام حوادث ملایم می گویند: این از ماست، آنگاه فرح و فخور خواهند بود و در هنگام رویداد حوادث ناملایم کفران می ورزند. و آیه کریمه فرمود: صابرین را بشارت بدهید؛ آنهایی که این حوادث را به عنوان امتحان الهی می دانند و از عهده این امتحان هم به خوبی برمی آیند.

کفاره خاطره طیره، توکل است/ باور به بدشگونی امور و عدم اعتقاد به خدا، انسان را به خرافات می کشد

وی در تشریح منطق غیرموحدان در برابر حوادث یادآور می شود: در مقابل صابرین گروهی اند که اگر نعمتی به آنها برسد، خود را ولی نعمت می شمارند یا اگر نعمتی به آنها برسد، فوراً گرفتار انحراف فکری خواهند شد که **إِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَيَّ وَجْهٌ...** در سوره اعراف آیه 131 این است که **فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَ إِنْ تَصَبَّهْمُ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَ مِنْ مَعَهُ إِلَّا نَمَّا طَائِرُهم** عند الله ولكن أكثرهم لا يعلمون؛ اگر نیکی و خیر به آنها برسد، خود را شایسته این خیر می پنداشتند، می گفتند: این مال ماست و در اثر لیاقت و استحقاق ما نصیب ما شده است و اگر سیئه ای به اینها اصابت کند، به عنوان تطیر و بدقدمی و شئامت، موسای کلیم (ع) و همراهان او را به بدقدمی متهم می کنند. بدقدمی جزء خرافات است (شانس بد و شانس خوب) جزء اوهام و خرافات است.

وی تأکید می کند: اگر کسی به قضا و قدر معتقد نبود و به خدای سبحان معتقد نبود، قهراً به خرافات تن در می دهد. تطیر و طیره و امثال ذلك جزء اوهام و خرافاتی است که کفاره دارد و در روایات هم آمده است که **#171& کفارة الطیره التوکل**؛ اگر کسی در قلبش این حادثه خطور کرد که فلان شخص بدقدم است یا فلان حادثه مشؤم بود و باعث بدی بود و مانند آن، باید از این خاطره کفاره بدهد و کفاره خاطره طیره و مانند آن، توکل بر خدای سبحان است. آل فرعون به جای اینکه حسنه و سیئه را آزمون الهی بدانند، هنگام برخورد حسنه آن را به خود نسبت می دادند و هنگام برخورد سیئه آن را به عنوان طیره به موسای کلیم (ع) و همراهانش نسبت می دادند، غافل از اینکه هردو آزمون الهی است.

بشارت الهی شامل نعم دنیوی و اخروی است

این مفسر قرآن به نکاتی در این آیات اشاره کرده و می گوید: یکی اینکه این صابرین وقتی که در آیه معنا شدند به عنوان صاحبان یک ملکه و یک وصف مستقر معنا شدند؛ نه یک وصف حال. مطلب بعدی آن است که این گروهی که صابرند از بشارت الهی برخوردارند. بشارت الهی مخصوص بهشت و نجات از جهنم در آخرت نیست، هم نعم دنیایی را شامل می شود، هم نعم اخروی را؛ خیلی از نعم است که به عنوان بشارت خدای سبحان مرحمت می کند. آن ملکات فاضله را به عنوان نعمت خدای سبحان در دنیا اعطا می کند. بخشی از آنها البته مربوط به آخرت است. مطلب بعدی آن است که صلوات خدا و رحمت خدا توضیح داده شود که به چه معیار و چه معنا خواهد بود و آخرین مطلب آن است که خدای سبحان اهتدای صابرین را امضا می کند که صابر مهتدی است؛ چون در بعضی از قسمتها خدا وعده داد، فرمود: اگر اطاعت کردید، مهتدی می شوید. در این آیه راجع به صابرین صحه گذاشت فرمود: اینها مهتدی اند.

صابر کسی است که جزء **#171& عزم الامور**؛ ها را محقق کرد

آیت الله جوادی آملی بر عزم الامور بودن صبر تأکید کرده و می گوید: **#171& عزم الامور**؛ یعنی اموری که اگر بخواهد

محقق بشود باید صاحبش تصمیم بگیرد، جزم پیدا کند و در لایه‌لای این اراده وهن راه پیدا نکند، او بشود مصمم تا این کار را انجام بدهد. آن سنگی که در آن خُئل و فُرَجی نیست آن سنگ مستحکم را می‌گویند: صخره صمّاء. آن دوستی که در دوستی او خللی نیست، می‌گویند: دوست صمیمی. صمیم آن درون پر است؛ انسانی که بخواهد مصمم بشود باید در محدوده اراده او، بی میلی، انزجار، کراهت و تردید راه پیدا نکند، تا این محدوده درون پر نشد، نمی‌گویند تصمیم، آن اراده‌ای که به اندک حادثه‌ای عوض می‌شود، آن تصمیم نیست، پر نیست؛ لذا خدای سبحان فرمود: صبر جزء عزم‌الامور است یا لقمان وقتی به فرزندش وصیت می‌کند آیه 17 سوره لقمان می‌فرماید: صابر باش یا بنی اقم الصلاة وأمر بالمعروف و ائمة عن المنکر و اصبر علی ما أصابک إنّ ذلك من عزم‌الامور؛ صبر نظیر کارهای عادی نیست که انسان بدون تصمیم بتواند، صبر کند؛ چون هر لحظه انسان باید زمام نفس را بکشد که مبادا از یک طرف شک، از یک طرف تردید، از یک طرف کراهت، از یک طرف انزجار، از یک طرف وهن راه پیدا کند و این مرکز تصمیم‌گیری را موهون کند، فرمود: ان ذلك من عزم‌الامور خب اگر چنانچه کسی مصمم شد و مهم‌ترین عمل هم که اراده و عزم است برای او پیدا شد، خدای سبحان یک چنین انسانی را بشارت می‌دهد، فرمود: و بَشِّر الصّابِرین؛ صابر کسی است که جزء #171؛ عزم‌الامور را محقق کرد.

بهره مندی صابران از صلوات مستمر الهی

وی با اشاره به به بشارت الهی بر صابران، تصریح می‌کند: ... بشارت خدای سبحان، هم مربوط به دنیا هم مربوط به آخرت است. آنگاه فرمود به اینکه بشارتش به این است که ما می‌گوییم: اولئك علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المهندون. خدای متعال درباره مؤمنین فرمود: بر مومنین صلوات می‌فرستد. در سوره مبارکه احزاب فرمود: خدا و ملائکه بر شما صلوات می‌فرستند تا شما را نورانی کنند، اما درباره صابرین به عنوان جمله اسمیه تثبیت کرد و فرمود: صلوات الهی دائماً بر صابرین تنزل می‌کند.

این مدرس عالی حوزه به آیه 43 احزاب هو الذي یُصلّي علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیماً یادآور می‌شود: فرمود: خدای سبحان بر شما مؤمنین صلوات می‌فرستد، ملائکه خدا هم بر شما صلوات می‌فرستند، تا شما را نورانی کنند، تا شما را از این تیرگی بیرون بیاورند و از ظلمت برهانند. اگر ملائکه صلوات می‌فرستند، در حقیقت به فرمان خداست و اگر کاری هم از این صلوات ملائکه ساخته است، به امر خداست؛ لذا در هنگام جزا، فعل را مفرد آورد فرمود به اینکه خدا و ملائکه بر شما صلوات می‌فرستند، تا خدا شما را نورانی کند: هو الذي یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیماً که این رحمت خاصه است.

نورانیت صابران

وی تصریح می‌کند: ولی درباره صابرین فرمود (به عنوان جمله اسمیه) اولئك علیهم صلوات من ربهم یعنی بر صابرین خدای سبحان صلوات فراوانی و کرامت‌های فراوانی تنزل می‌کند. خب، پس صلوات برای نورانی کردن است. اگر صلوات برای نورانی کردن است و خدای سبحان بر صابرین صلوات می‌فرستد یعنی صابرین نورانی خواهند بود، دیگر فرض ندارد صلوات برای نورانی کردن باشد و خدای سبحان بر صابرین صلوات بفرستد و افراد صابر نورانی نباشند. طوبی لهم و حسن مآب، اولئك علیهم صلوات من ربهم؛ اگر کسی واقعا صابر شد نوری در درون او هست: اولئك علیهم صلوات من ربهم و رحمة این رحمت، یک رحمت خاصه است در برابر آن صلوات.

آیت الله جوادی آملی با تأکید بر اینکه صلوات، فیض خاص است، یادآور می‌شود: صلوات از ناحیه خدای سبحان کرامت است؛ فیض خاص را می‌گویند صلوات، آن روشنی که انسان در درون خود احساس می‌کند صلوات الهی است وگرنه لفظ در کار نیست #171؛ اما کلامه سبحانه فعل منه؛ و همین که انسان در دل خودش یک صفای احساس می‌کند که نسبت به اطاعت و امتثال فرمان خدا علاقه دارد، نسبت به گناه انزجار دارد، از جهنم می‌ترسد، به بهشت دل می‌بندد، به سخنان اهل بیت دل می‌بندد، وقتی سخنان اهل بیت را می‌شنود قلبش باز می‌شود، اینها را به عنوان موالیان الهی در جان خود جا داده است، این نورانیت است، اینها برکات همان صلوات است وگرنه گفتار خدا همان فعل خداست. این رحمتی که در کنار صلوات آمده است یک رحمت خاصه است...

پیدایش سکینت و آرامش در پرتو صلوات انسان کامل

وی با اشاره به اینکه صلوات رسول خدا (ص) باعث تسکین و پیدایش سکینه و سکونت در نفس است، یادآور می‌شود: اینکه می‌بینید یک کسی قلبش آرمیده است با اینکه حوادث زیاد است، هیچ تپشی در قلب او نیست این به برکت صلوات وجود مبارک پیغمبر است. فرمود: خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم بها و صلّ علیهم إنّ صلاتک سکن لهم الآن هم ولی عصر (ارواحنا فداه) بر مؤمنین صلوات می‌فرستد. اینکه شما می‌بینید همه خطرناک هستند یک عده اصلاً مثل اینکه در این کشور خطری نیست، آرمیده‌اند به برکت همان دعاهاست. فرمود: صلوات انسان کامل باعث آرامش دلاهاست: ان صلاتک سکن لهم نه یعنی تو بگو #171؛ اللهم صلّ علی زید؛ این لفظ کافی نیست، تشکر، دعا مسئله دیگر است. تو مجرای فیض باش تو واسطه باش که بر قلب اینها سکینت

و وقار تنزل کند. صلوات پیغمبر این اثر را دارد. لازم نیست در حضور انسان بگوید. هم اکنون هم حضرت حجت (عج) بر مؤمنین صلوات می‌فرستد. اینکه می‌بینید عده‌ای تا بوی خطر به مشامشان رسید، قلبشان می‌تپند عده‌ای در خط مقدم جبهه آرام‌اند به برکت همان صلوات است، و صلّ علیهم ان صلاتک سکن لهم).

هدایت برتر صابران

این مدرس عالی حوزه با اشاره به هدایت برتر صابران یادآور می‌شود: ... هدایت با اهتدا فرق دارد؛ نظیر قدرت و اقتدار، و قرب و اقتراب. در این کریمه فرمود: اینها که صابرند در موارد امتحان، اولئك هم المهتدون یعنی ما به اینها وعده دادیم، فرمود که به اینها گفتیم: اگر شما مطیع خدا و پیغمبر باشید، مهتدی می‌شوید، ولی درباره صابرین اینها که از عهده امتحان به در آمدند ما بر اهتدای آنها صحه گذاشتیم، گفتیم؛ واولئك هم المهتدون. در سوره نور اصل وعده را ذکر کرد آیه 54 سوره نور این است که قل اطیعوا الله و اطیعوا الرسول فإن ثلثوا فإثما علیه ما حمل و علیکم ما حملتم و إن تطیعوه تهتدوا؛ اگر شما مطیع پیغمبر باشید، به اهتدا می‌رسید نه یعنی هدایت می‌شوید، خب انسان تا هدایت نشود که حرف خدا و پیغمبر را گوش نمی‌دهد و همین اطاعت مصداق هدایت است در این کریمه آن هدایت برتر را می‌گوید، می‌فرماید: اگر شما مطیع پیغمبر بودید، مهتدی خواهید شد. حالا یا به معنای ایصال مطلوب است یا هدایت تکوینی است.

آیت الله جوادی آملی در پایان این بخش از تفسیر سوره بقره، تأکید می‌کند: علی‌ای حال هدایت تشریعی و هدایت ابتدایی نیست؛ چون اگر کسی به هدایت تشریعی و هدایت ابتدایی مهتدی نباشد که مطیع نیست، فرمود اگر خدا و پیغمبر را اطاعت کردید مهتدی خواهید شد، ولی در این آیه محل بحث به آن وعده وفا کرده انجام کرده صحه گذاشت، فرمود: واولئك هم المهتدون؛ مثل اینکه در سوره انعام آیه 82، درباره اهتدای بعضی هم صحه گذاشت و فرمود: الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم أولئك لهم الأمن و هم مهتدون؛ آنها که مؤمن شدند و دامنه ایمانشان را به ستم آلوده نکردند و در أمن بودند، و دیگران هم از آنها در امان بودند اینها از أمن الهی برخوردارند و اینها هستند که مهتدی‌اند. تفاوتی که آیه محل بحث با آیه سوره انعام دارد این است که در آیه محل بحث کلمه «؛ الف و لام؛ هم آمده که فرمود: واولئك هم المهتدون که نشانه از کمال اهتداست.